



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	۴۵	تاریخ	۱۴۰۴ / ۱۰ / ۲۹
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم				
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»				
عنوان ۳	تفسیر آیه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»				
عنوان ۴	رابطه نعمت و رحمت				
عنوان ۵	نحوه اجابت فراخوان الهی ➤ معنای استجابت فراخوان الهی				
عنوان ۶	وحدت سبیل و ولی الهی				
عنوان ۷	ارتباط فضل، رحمت و نعمت				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

جلسه حاضر در ادامه تفسیر آیه شریفه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، به واکاوی عمیق مفاهیم بنیادین «رحمت» و «نعمت» و تبیین نسبت میان آنها در نظام هدایت می پردازد.

استاد رحمته بحث را با گونه شناسی این دو مفهوم آغاز کرده و ضمن تقسیم رحمت به دو نوع «عامه» (فراگیر) و «خاصه» (ویژه مؤمنین) و نعمت به «عامه» و «تامه»، استدلال می کند که «نعمت تامه» همان نعمت ولایت است که با پذیرش اختیاری و آگاهانه بشر فعلیت می یابد. در فرآیند این بحث، جایگاه انبیاء و ائمه علیهم السلام به عنوان داعیان الی الله و واسطه های فیض تشریح شده و بیان می گردد که تنها راه تبدیل نشدن رحمت عامه به نعمت و عذاب، «استجابت» فراخوان ایشان است.

در ادامه، بر یگانگی حقیقت «ولی خدا» و «صراط مستقیم» تأکید می ورزد و توضیح می دهد که اطاعت از رسول و امام، شرط اصلی ورود به دایره «رحمت رحیمی» است و با استناد به آیات و روایات، تصریح می کند که برخلاف رحمت ابتدایی، نعمت ولایت، «مسئولیت آور» است و انسان ها در قیامت نسبت به چگونگی پاسداشت این نعمت مورد سؤال قرار می گیرند.

پایان بخش این جلسه، ترسیم رابطه طولی میان استجابت دعوت حق، شکرگزاری نعمت ولایت و دستیابی به مقام «فضل الهی» است؛ مقامی که در آن پاداش مؤمنان از حد و حصر فراتر رفته و به عطایای بی پایان و مستمر خداوند متصل می گردد.

درآمد بحث

بحث ما در تفسیر آیه کریمه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» همچنان ادامه دارد. در بحث های پیشین گفتیم که دو واژه مهم و بنیادین در قرآن کریم وجود دارد که متقارب و متفاوت هستند؛ یکی واژه «نعمت» و دیگری «رحمت» است. از نظر معنا، تشابهاتی میان این دو واژه وجود دارد؛ ولی تفاوت هایی نیز میان این دو دیده می شود. از اجتماعی که این دو در مصداق با هم پیدا می کنند، این است که بنابر آنچه از کاربردهای قرآنی دیده می شود، رحمت بر دو نوع کلی است؛ هرچند که رحمت را در محل خود به پنج قسم تقسیم کردیم؛ ولی تقسیم کلی آن بر دو نوع است:

❖ **رحمت عامه:** که گاهی از آن به «رحمت رحمانی» تعبیر می شود؛

❖ **رحمت خاصه:** که مخصوص مؤمنین است و از آن به «رحمت رحیمی» تعبیر می گردد و در روایات نیز به صورت «وَالرَّحْمَنُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»^۱ ذکر شده است.

این تقسیم در نعمت نیز وجود دارد با این تفاوت که نعمت به دو نوع «نعمت عامه» و «نعمت تامه» تقسیم می گردد. توضیح داده شد که نعمت تامه، نعمتی است که همراه با ولایت الهی به بشر داده می شود و اتمام نعمت به دخول در ولایت الهی است.

رابطه نعمت و رحمت

در ارتباط این دو مفهوم گفتیم که همه عالم هستی و آنچه از خدای متعال افاضه می گردد، رحمت است و اصلاً خدای متعال به جز رحمت، چیزی افاضه نمی کند و حتی اگر عذابی در کار باشد، این اختیار انسان به عنوان موجود مختار است که رحمت الهی را به عذاب مبدل می سازد. به عبارت دیگر، رحمت الهی - که رحمت فائضه عامه مبتدئه شامله فراگیر است - اگر با اعراض فاعل مختار روبه رو گردد، اعراض، رحمت را تبدیل به عذاب می کند و پشت کردن به رحمت خدا، عذاب است:

«يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَنِيهِمْ بِسُورَةٍ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهَرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ»^۲

روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می گویند: «نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی بگیریم!» به آنها گفته می شود: «به پشت سر خود بازگردید و کسب نور کنید!» در این هنگام سوری (دیواری) میان آنها زده می شود که دری دارد، درونش رحمت است و برونش عذاب!

این «سور» همان است که با اعراض و اقبال پدید می آید. توضیح اینکه: رحمت عامه ریزان و شامل الهی، سیر نزولی دارد و تا آخرین موجود در عالم فرامی گیرد؛ اما بعد، یک فراخوانی از سوی خدا اتفاق می افتد که خدای متعال، رسل خویش و ائمه هدی را به عنوان فراخوانان آن معرفی کرده و فرموده است:

۱. تفسیر القمی؛ ج ۱، ص ۲۸.

۲. سوره حدید: ۱۳.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا * وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا﴾^۱

و:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...﴾^۲

پس یک فراخوان در کار است که به لسان رسول و ائمه هدی علیهم السلام انجام می گیرد و به لسان ائمه نیز همان فراخوان حضرت رسول صلی الله علیه و آله است؛ لذا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را هم «داعی الی الله» می شناسیم و خدمت ایشان عرضه می داریم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّائِي آيَاتِهِ».

نحوه اجابت فراخوان الهی

پس از انجام فراخوان، اجابت برای موجودات غیرمختار قهری است و آیات کریمه قرآن که اشاره می کند همه موجودات با امر الهی اداره می شوند، این معنا را تأیید می کنند؛ از جمله آیه ۵۴ سوره اعراف که می فرماید:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾^۳

پروردگار شما، خداوندی است که آسمان ها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید؛ سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت؛ با [پرده تاریک] شب، روز را می پوشاند؛ و شب به دنبال روز، به سرعت در حرکت است؛ و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید، که مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر [جهان]، از آن او [و به فرمان او] ست! پر برکت [و زوال ناپذیر] است خداوندی که پروردگار جهانیان است.

و یا آیه کریمه:

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^۴

تسبیح موجودات، همان تسبیح بازگشت به سوی خداست؛ اما از سوی موجودات غیراختیاری. اما استجابات فاعل های اختیاری با خود ایشان است؛ یعنی می توانند فرمان خدا را استجابت کنند یا نکنند.

معنای استجابت فراخوان الهی

استجابت فرمان خدا به معنای تبعیت از ولایت الهی است؛ بدین شکل که به معنای اطاعت خداست و اطاعت او از طریق اطاعت ولی او انجام می گیرد:

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا﴾^۵

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾^۶

۱. سوره احزاب: ۴۵ و ۴۶.

۲. سوره انفال: ۲۴.

۳. سوره جمعه: ۱.

۴. سوره نساء: ۶۹.

۵. سوره آل عمران: ۳۱.

این فراخوان رسول خدا صلی الله علیه و آله است که می خواهد از او پیروی و اطاعت شود. کسانی که این فراخوان را پاسخ مثبت می دهند، بدین معناست که مسئولیت خویش را در قبال نعمت تامه الهی انجام می دهند؛ چون گفتیم یکی از فرق های بین نعمت و رحمت این است که نعمت، مسئولیت آور است؛ یعنی اگر به کسی نعمت داده شد، باید حق آن را ادا کند به خلاف رحمت که الزاماً مسئولیتی به دنبال ندارد و خدای متعال رحمت را بر همه موجودات نازل می کند؛ اما اگر این رحمت به نعمت تبدیل شد، مسئولیت آور می شود و زمانی تبدیل به نعمت می شود که پای ولایت به میان می آید؛ یعنی خدای متعال برای بازگشت بندگان به سوی خویش راهی تعیین کرده و آن همان سبیل و صراط و همان ولی است.

وحدت سبیل و ولی الهی

این صراط مستقیم که همان ولی الهی است، همان سبیل است؛ لذا در آیات کریمه قرآن از مودت ذی القربی به «سبیل» تعبیر شده است. بدین لحاظ در یکجا فرموده است:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾؛

و در جای دیگر می فرماید:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾؛

این «سبیل» هم به قرآن اطلاق شده و هم به امام؛ چون هر دو یک سبیلند؛ منتها سبیل ناطق، امام است و سبیل صامت، قرآن کریم؛ چراکه اگر یکی را بگیریم و دیگری را رها کنیم، در واقع به این می ماند که هیچ یک را اخذ نکرده ایم. بنابراین، آنچه از آیات کریمه قرآن و روایات استفاده می کنیم این است که این دو متحدند؛ اما یکی تجلی نطقی دارد و تجلی تفسیری دیگری است؛ یعنی قابل تصور نیست که کسی از قرآن کریم تبعیت کند و از اهل بیت علیهم السلام پیروی ننماید یا به عکس، کسی از اهل بیت علیهم السلام تبعیت کند و پیرو قرآن نباشد. این دو در مقام ظهور و عنوان دو چیزند؛ اما معنوی آنها یکی است: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾؛ هر که از من تبعیت کند، از این سبیل پیروی کرده است. در این آیه می توان «هذه» را به قرآن باز گردانید؛ یعنی این سبیل، قرآن است؛ اما سبیل محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و در حقیقت سبیل ولی است و این سبیل الولی، هم شامل قرآن است و هم خود ولی و راهش که همان قرآن است. لذا در برخی روایات می خوانیم که درباره رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که:

«كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ»؛

سبک زندگی و همه چیزش قرآن کریم بود و این در همه ائمه علیهم السلام متجلی است.

خلاصه، عرض ما این است که وقتی رحمت عامه به وسیله این نعمت (یعنی ولی و سبیل الهی که هم قرآن است و هم عترت؛ هم قرآن است و هم امام قرآن) اتمام می شود (نعمت تامه که همان نعمت ولایت است)، مسئولیت آور است و

۱. سوره شوری: ۲۳.

۲. سوره فرقان: ۵۷.

۳. سوره یوسف: ۱۰۸.

۴. شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید؛ ج ۶، ص ۳۴۰.

مسئولیتش پاسخ دادن است؛ چون این نعمت، نعمت دعوت به سوی خداست: «أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ»؛ و مسئولیتی که ایجاد می کند، شکرگزاری بر این نعمت است. از آنجا که این نعمت از نوع دعوت الی الله است و به وسیله ولی الهی صورت می گیرد (نعمت)، مسئولیت می آورد و مسئولیتی که ایجاد می کند، پاسخ دادن به آن است؛ لذا در قرآن بارها تکرار شده که از این نعمت سؤال خواهد شد؛

﴿ثُمَّ لِنُسْأَلَنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾^۱؛

﴿فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسِلِينَ﴾^۲؛

از مرسلین سؤال می کنیم، اما از «الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ» نیز می پرسیم که آیا این دعوت را اجابت کردید یا نه؟
گفتیم تفسیر «سؤال» در آیات پایانی سوره مائده آمده و یک مصداق از این سؤال و جواب را بیان داشته است:

﴿يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ...﴾^۳؛

خدا رسولان را گرد می آورد و می پرسد: مردم چه پاسخی به شما دادند؟ یعنی شما داعی بودید و فراخوان دادید؛ در برابر این فراخوانی شما چه پاسخی داده شد؟

سپس به حضرت عیسی علیه السلام می رسد و می فرماید:

﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ...﴾؛

چرا کسانی که تو فرا خواندی، این گونه پاسخ دادند و گفتند که تو خدای ایشانی؟ آیا تو در این فراخوانی مقصر بودی؟
حضرت در پاسخ می فرماید:

﴿قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾^۴؛

من در ادای مسئولیت تقصیری نورزیدم.

خلاصه اینکه این نعمت مسئولیت آور است و مسئولیتی هم که ایجاد می کند، اجابت و پاسخ مثبت است. اینجا محل بحث ماست که اگر به این فراخوانی پاسخ مثبت داده شد، دخول در رحمت خاصه اتفاق می افتد و گفتیم که فرق رحمت خاصه با رحمت عامه در این است که رحمت عامه ممکن است تبدیل به عذاب شود؛ چنانکه خود فرموده است: «قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»^۵؛

این رحمت واسعه به نعمت تامه تبدیل می گردد و این نعمت تامه، مسئولیت آفرین است؛ اگر به آن پاسخ مثبت داده شد، معنایش این است که انسان به وسیله پاسخ مثبت داخل در کسانی می شود که «وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا»^۶.

گفتیم حضرت موسی علیه السلام بعد از اینکه خدا به او فرمود:

۱. سوره تکوین: ۸.

۲. سوره اعراف: ۶.

۳. سوره مائده: ۱۰۹.

۴. همان: ۱۱۶.

۵. سوره اعراف: ۱۵۶.

۶. سوره انبیاء: ۸۶.

﴿فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ﴾^۱؛

این لحظه بسیار عجیب است اگر کسی تصور کند که حضرت موسی علیه السلام در اوج شادمانی و نشاط پیروزی بود تا آنجا که خدا به او فرمود:

﴿وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى﴾^۲؛

چرا زودتر از وعده نزد ما آمدی؟

﴿قَالَ هُمْ أُولَاءِ عَلَى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى﴾^۳؛

شوق دیدار و مناجات با تو چنان زیاد بود که مرا زودتر به اینجا کشانید تا از من راضی تر گردی. خدا به او فرمود می خواهم قانون عدلی به تو بدهم که با آن جامعه را اداره کنی و غایت، هدف و مقصود اصلی حاصل گردد؛ و در واقع به نقطه آخر رسیده بود که ناگهان حضرت باری تعالی فرمود:

﴿فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ﴾

اینجا بود که:

﴿وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَابَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ

يَجْرُهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾^۴؛

اینجا بود که موسی علیه السلام گفت:

﴿قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾^۵؛

خدایا، ما را به آن روز نینداز که با گروه اعراض کنندگان از فراخوانی خودت قرار نده؛ چون ما از فراخوانی تو اعراض نمی کنیم و مطیع توایم؛ پس من و برادرم را ببامرز.

عبارت: ﴿اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي﴾ هم نیاز به بحثی مفصل دارد؛ ولی اجمالاً این است که: من در این اعراض بنی اسرائیل مقصر نبودم؛ چراکه گفتیم پیامبر در قبال امت خود مسئول است؛ ﴿يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ﴾؛ اینجا سؤال از رسل است و حتی از حضرت عیسی علیه السلام سؤال می شود: ﴿أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾؟ چرا مردم به این وضعیت در آمدند؟ خدا از رسول می پرسد: چرا قوم تو چنین شدند؟ اینجا هم حضرت موسی علیه السلام که از سؤال خداوند می هراسید، از همین سؤال کرد. خدا به او فرمود: چرا قوم تو به این وضعیت افتادند؟ لذا عرضه داشت: ﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ﴾؛ یعنی ما کوتاهی نکردیم. موسی علیه السلام در مقام تضرع والتجاست و قصد ندارد خود را از هر تقصیری مبرا بداند.

ادخال در رحمت، به این معناست که ما به مسئولیتی که داشتیم عمل کردیم؛ ما مطیع توایم و به طاعت تو گردن نهاده ایم؛ لذا ﴿أَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ﴾. معنای آیه این است که ما شکر این نعمت را گزارده ایم؛ چون شکر نعمت ولایت تامه،

۱. سوره طه: ۸۵.

۲. همان: ۸۳.

۳. همان: ۸۴.

۴. سوره اعراف: ۱۵۰.

۵. همان: ۱۵۱.

ابتدا به خود امام داده می شود؛ چراکه اول، امام مطیع می شود و نعمت بر او تمام می گردد، آنگاه به کسانی که از او پیروی می کنند نیز انتقال می یابد و نعمت تامه می گردد؛ لذا مسئولیت آور است.

وقتی که امام و مأموم او به این مسئولیت عمل کردند و دعوت خدا را اجابت نمودند و به فرمانش گردن نهادند، رحمت رحمانی (رحمت واسعه) تبدیل به یک رحمت خاصه می گردد که در چند جای قرآن به آن اشاره شده:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا * فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۱

اعتصام به خدا همان اعتصام به حبل الهی و ولایت خداست.

در اینجا رابطه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» با «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» روشن می گردد؛ چون «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، صراط کسانی است که بر ایشان نعمت فرو فرستاده و این نعمت هم به این دلیل که بر فرمان الهی گردن نهادند و اطاعت کردند، به ایشان ارزانی داشته شد؛

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾

ایشان صاحبان نعمت تامه و عباد مطیع خداوندند که به علت تبعیت محضشان از خدا، نعمت بر ایشان تامه می گردد و سبیل و فراخواننده به سوی خدا می شوند؛ لذا فرمود:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي﴾

و:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ﴾

لذا اگر مسئولیت این نعمت تامه (وجود سبیل الی الله، هادی، ولی و ولایت کبری) انجام گرفت و فرمان این نعمت تامه و فراخوانی آن را اجابت کردند، «فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ»؛

ارتباط فضل، رحمت و نعمت

این فضل همیشه نصیب اصحابی است که از ولایت الهی تبعیت می کنند؛ لذا بین «فضل»، «رحمت» و «نعمت» در قرآن کریم رابطه وجود دارد:

﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ * الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ * فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسْسْهُمْ سُوءٌ﴾^۲

آنها که دعوت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را، پس از آن همه جراحاتی که به ایشان رسید، اجابت کردند؛ [و هنوز زخم های میدان أحد التیام نیافته بود، به سوی میدان «حمراء الاسد» حرکت نمودند؛] برای کسانی از آنها، که نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند، پاداش بزرگی است * اینها کسانی بودند که [بعضی از] مردم، به آنان گفتند: «مردم (لشکر دشمن) برای [حمله به] شما اجتماع کرده اند؛ از آنها بترسید!» اما این سخن، بر ایمانشان افزود؛ و گفتند: «خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست» * به همین جهت، آنها [از این میدان،] با نعمت

۱. سوره نساء: ۱۷۴ و ۱۷۵.

۲. سوره آل عمران: ۱۷۲ - ۱۷۴.

و فضل پروردگارشان، بازگشتند؛ درحالیکه هیچ ناراحتی به آنان نرسید؛ و از رضای خدا، پیروی کردند؛ و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است.

وقتی که استجابت حاصل می شود، هم نعمت بر ایشان تام می گردد و اگر هم کسی از این نعمت تامه تبعیت کند و در حق وی اتمام گردد، فضل الهی هم نصیب او می گردد.

«فضل» هم در قرآن کریم با تتبع در آیات آن داستانی دارد و آن بدین معناست که دیگر حدی برای اجر و ثواب ایشان نمی ماند و هرچه خدا به ایشان ثواب می دهد، باز هم آن را افزایش می دهد. در آیه کریمه نیز می فرماید: «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا»؛ اما «وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ»^۱؛

یعنی این اجر و ثواب حد یقف ندارد و هرچه بدهند، باز هم می دهند و توقفی در آن نیست. اهل ولایتی که به رحمت خاصه الهی وارد می شوند و خدای متعال نعیم و بهشت خویش را به ایشان ارزانی می دارند و به بهشت وارد می سازد؛ اولاً می پرسد: چه می خواهید؟ «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا»؛ چیزهایی می بخشد که در فکر بشر هم نمی گنجد و بدان نمی رسد؛ چنان که در آیه دیگر می فرماید:

«فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۲؛

چیزهایی است که اصلاً فکر بشر بدان نمی رسد، ولی آن را هم می بخشند و وقتی به آن رسید، عظمت آن را درک می کنند و لذا باز هم درخواست می کنند. ظاهراً «وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ» مطلق است و توقف ندارد. ظاهراً «فضل» بدین معناست که وقفه ای در اجری که خدا به اهل ولایت می دهد وجود ندارد. شاید آیه کریمه دیگر هم بدین مطلب اشاره دارد:

«فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ»^۳؛

یعنی آنچه اجر ایشان است و اضعاف مضاعف یا هر چیز دیگر است، توقف پیدا نمی کند؛ بلکه «بزیدهم». سابقاً بحثی درباره مفهوم «فضل» داشتیم و گفتیم که «لِكُلِّ فَضْلٍ فَضْلٌ»؛ یعنی هر فضلی که داده می شود، فضلی بر آن وجود دارد و لذا فضل دایره ای بسیار وسیع دارد و بنابر آنچه از مجموع آیات و روایات استفاده می شود، بی نهایت است و «ثم من فضله، ثم من فضله، ثم من فضله» به ایشان داده می شود؛ «لَا مَقْطُوعَةَ وَلَا مَمْنُوعَةَ»^۴. در همین آیه هم چند معنا احتمال داده می شود و یکی از آنها این است که هم «لا تنقطع» و هم «لا تمنع». عدم انقطاع یعنی استمرار دارد و هم خودش را می دهند و هم به آن استمرار می بخشند.

به هر حال، مِمَّا ذکرنا تبیین در حد فهم ما و با استفاده از آیات کریمه قرآن و روایات معصومین علیهم السلام که صراط مستقیم، «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» است و راه بازگشت به سوی خدا و طریق رسیدن به خداوند، همان صراط مستقیم است که صراط کسانی است که «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»؛ یعنی راه کسانی که «خَضَعُوا لِلَّهِ فِي طَاعَتِهِ وَأَصْبَحُوا أَوْلِيَاءَ لِلَّهِ يَدْعُونَ إِلَى طَاعَتِهِ» که همان انبیاء و ائمه هدی علیهم السلام هستند؛ لذا فرمود:

۱. سوره ق: ۳۵.

۲. سوره سجده: ۱۷.

۳. سوره نساء: ۱۷۳.

۴. سوره واقعه: ۳۳.

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا﴾ ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عَلِيمًا^۱؛

و در جای دیگر فرمود:

﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾^۲؛

شما به دنیا دارانی که کاخ و خانه های کاذب دارند و غرق نعمت های دنیایند، نگاه نکنید و اصلاً به این امور دل خوش ندارید؛ چون آنچه جای دل خوشی دارد، نعمت و فضل الهی است ﴿فَبِذَٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾؛ از همه آنچه گرد می آورند و در دنیا به ذهنشان خطور و آنها را تمنا می کنند، فراتر است و قابل قیاس نیست.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین



۱. سوره نساء: ۶۹ و ۷۰.

۲. سوره یونس: ۵۸.